



ما تنبلیم؟

اگر نگاهی به رزومه‌اش ببندازیم متوجه می‌شویم در زمینه تنبلی اجتماعی تحقیقات زیادی به عمل آورده.

میترا شکری: جواد یگانه از آن دست جامعه‌شناسانی است که اگر نگاهی به رزومه‌اش ببندازیم متوجه می‌شویم در زمینه تنبلی اجتماعی تحقیقات زیادی به عمل آورده.

به همین دلیل فقط کافی است به او بگوییم موضوع مصاحبه‌ات چیست تا تمام زیر و بم پدیده‌ای به نام تنبلی اجتماعی رادر بیاورد. تنبلی اجتماعی معضلی است که از سال‌ها قبل در کشور ما وجود داشته است اما این روزها معضلاتی که این مشکل در کشور به وجود آورده روز به روز بیشتر می‌شود. دکتر جواد یگانه می‌گوید تنبلی اجتماعی باعث بروز ضعف‌های فردی می‌شود و جامعه‌ای که افراد آن دارای مشکل باشند به سختی می‌تواند موفق عمل کند. گفت‌وگوی ما را با این جامعه‌شناس از دست ندهید.

آقای دکتر! شما در برخی از مطالعاتتان فرض کرده‌اید که ایرانی‌ها تنبل هستند؛ این فرضیه از کجا آمده است؟

این فرض بر پایه مشاهداتی است که خیلی از ماها می‌توانیم آن را در جامعه و رفتار اجتماعی مردم ببینیم. مثلاً ما ایرانی‌ها عدم تمایل به کار کردن در جامعه داریم، نشانه‌هایش هم خیلی بارز است؛ استقبال از بین‌التعطیلین، تمایل به استخدام دولتی، استقبال از پشت میز نشینی، پایین بودن سرانه ورزش در ایران، بالا بودن میزان تماشای تلویزیون در کشور و... نشانه‌هایی است که از احتمال وجود آفت و آسیبی به نام تنبلی خبر می‌دهند. البته نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد تمایل به تنبلی وجود ندارد یا تمایل تنبلی در ایران پایین است. تمایل به این معنا است که به‌طور شخصیتی تمایل داشته باشید که تنبل باشید. مثلاً از زمان داریوش تا الان دروغ یکی از مسائل جامعه ما بوده است. وقتی داریوش می‌گوید خدایا کشور ما را از دروغ مصون نگه دار، یعنی دروغ وجود داشته و یک مسئله بوده. ولی مردم ما ذاتاً دروغگو نیستند بلکه شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای است که آنها را وادار می‌کند که دروغ بگویند. در هر حال دروغگو نیستند. درباره تنبلی هم همین‌طور است. اتفاقاً در یک تیپ‌شناسی به نتیجه دیگری رسیدیم. مثلاً گفتیم بر اثر افزایش سواد گرایش به تنبلی کاهش پیدا می‌کند پس چون سواد در جامعه ایران دارد افزایش پیدا می‌کند، با کاهش گرایش به تنبلی روبه‌رو هستیم. یعنی گرایش به تنبلی زیاد نمی‌شود. خیلی از آدم‌های جامعه 2 و 3 شیفت کار می‌کنند که نشان می‌دهد تنبل نیستند. اما این به آن معنا نیست که تنبلی وجود ندارد. تنبلی مولود عواملی است که آن عوامل در جامعه ما وجود دارد.

تعریف شما از تنبلی چیست؟

تنبلی به معنای تن پروری، بیکارگی و اهمال در کار است. بر این اساس 2 تعریف برای تنبلی وجود دارد؛ نخستین تعریف تمديد یا کش‌دادن وضع موجود است. یعنی آدم‌ها تمایل به تغییر رفتار ندارند. یعنی من حال و جرأت ندارم که وضع فعلی‌ام را عوض کنم و بروم سراغ وضع دیگر؛ حتی اگر بهتر باشد. مثلاً در ترافیک شلوغ خیابان‌ها می‌توانید از اتوبوس پیاده شوید و یک ایستگاه را پیاده بروید. یا وقتی تلویزیون در میان سریالی آگهی پخش می‌کند در این 10 دقیقه کار دیگری انجام بدهید. ولی فرد تنبل می‌نشیند و دیگر بلند نمی‌شود. این، حفظ وضع موجود به هر قیمتی است. تعریف بعدی تنبلی این است که لذت آنی را بر نفع آتی ترجیح بدهم. یعنی من الان باید ورزش کنم که وقتی 60 ساله شدم سالم باشم ولی این کار را نمی‌کنم. یا الان باید به دندانپزشکی مراجعه کنم ولی این کار را نمی‌کنم. یا الان باید درس بخوانم که 4 سال بعد استفاده کنم ولی الان تنبلی می‌کنم، حالا فردا هر چي هم پیش آمد مهم نیست. به این می‌گویند «تسویف»؛ کار امروز را به فردا افکندن. بنابراین یک تعریف تنبلی بی‌عملی است و دیگری عمل براساس لذت‌آنی.

البته شما در تحقیقتان از تنبلی اجتماعی هم صحبت می‌کنید؛ منظورتان از تنبلی اجتماعی چیست؟

ببینید در تعریف کلی، رشد کند حرکت اجتماعی به سمت داشتن جامعه‌ای مطلوب را تنبلی اجتماعی می‌گویند. حالا اگر از من بپرسید که ما چند گروه تنبل در جامعه داریم من به شما پاسخ خواهم داد 2 گروه! یکی تنبلی فردی و دیگری اجتماعی. تنبلی فردی زمانی است که یک نفر به دلیل پرداختن به لذت آنی و لحظه‌ای خودش، از نفعی که می‌تواند در آینده داشته باشد پرهیز

می‌کند. مثل کسی که یک سال به دلیل نفع شخصی و آنی درس نخوانده و بعد موقع امتحان می‌رسد و نمی‌داند که در جواب سؤال‌ها باید چه بنویسد. چنین فردی لذت آنی خودش را طی سال‌های سال برده اما برای نفع آینده خودش قدمی برنداشته است.

احتمالا تنبلی اجتماعی دلایل زیادی هم باید داشته باشد؟

دقیقا همینطور است. دلایل زیادی دارد، اضافه وزن، کم تحرکی و بیشتر مواقع کمبود اعتماد به نفس باعث به وجود آمدن تنبلی اجتماعی می‌شود. در این زمان فرد احساس تحقیر شدن دارد و تحقیر همانطور که می‌دانید باعث می‌شود فرد درون گرا شود، در گوشه‌ای از خانه بنشیند و حتی در حالت‌های بدتر دست به کارهای نادرستی بزند.

چطور این اتفاق می‌افتد؟

در این نوع جامعه، افراد متوجه می‌شوند که با سخت‌کوشی به هیچ جایی نمی‌رسند و به همین دلیل انگیزه‌شان برای کار کردن کم می‌شود. به طور مثال زمانی که فرد با تحصیلات عالی نمی‌تواند کار و جایگاه اجتماعی به دست بیاورد به دلیل همین مسئله افراد دیگر انگیزه‌شان برای تحصیل کم می‌شود. در جامعه ما اپیدمی شده که می‌گویند فرد با زد و بند می‌تواند ثروتمند شود و به رفاه برسد نه با تحصیل. برای خیلی‌ها جا افتاده که یکسری از آدم‌ها با ثروت‌های باد آورده زندگی می‌کنند و نمی‌شود با درست زندگی کردن پولدار شد. مثلا کسی که روزنامه نگار است می‌گوید که با پول روزنامه‌نگاری و جایگاهی که دارد نمی‌تواند به قدرت خاصی برسد اما یک نفر می‌تواند با زد و بندها یک‌شبه از یک پست کوچک به یک پست بزرگ برسد. در زندگی ما بیشتر این‌جا افتاده است که بگوییم «از این ستون به اون ستون فرجه» و ما کلا این مثل را در جامعه‌مان خیلی زیاد و به اشتباه به کار می‌بریم، بعد نتیجه می‌گیریم یک کاری را دیرتر انجام بده، اما باید یادمان باشد که در جامعه تغییرات سریع رخ می‌دهد و منتظر نمی‌ماند، ما هم اگر می‌خواهیم از جامعه عقب نمانیم باید همراه با جامعه حرکت کنیم.

کمی درباره همین ساختار اجتماعی که باعث تنبلی می‌شود توضیح بدهید؟

یک مثال درخصوص کنکور بزنم تا این ساختار اجتماعی اشتباه کمی واضح‌تر مشخص شود. الان در تلویزیون برنامه‌هایی داریم که به افراد کنکوری یاد می‌دهد چطور بدون حل مسئله تست بزنند. این کار عملا به این افراد یاد می‌دهد که درس نخوانند و با تست زدن وارد دانشگاه شوند و ادامه تحصیل بدهند. چنین برنامه‌ای از صبح تا شب در تلویزیون پخش می‌شود. این اتفاق بخواهیم یا نخواهیم روی فرد تأثیر می‌گذارد. درست مثل بچه‌ای که مدام به او می‌گویند فست‌فود بد است و نباید بخوری، اما در هر وجه از خیابان که راه می‌رود فست‌فود است. این ساختار باعث می‌شود فرد درگیر تنبلی اجتماعی شود و در این مسیر حرکت کند.

رتبه تنبلی در کشور ما بالاست؟

متأسفانه کشور ما از بیماری تنبلی اجتماعی رنج می‌برد اما خوشبختانه باید بگویم گرایش به تنبلی در ایران بالا نیست و آدم‌ها تمایلی به اینکه بیکار و تنبل باشند ندارند اما شرایط اجتماعی طوری است که نشان می‌دهد کار کردن هم خیلی فایده‌ای ندارد و افراد با شرایط دیگری به ارتقای شغلی می‌رسند.

مدتی در رسانه‌ها این مسئله مطرح شد که رتبه ایران در تنبلی رتبه سوم جهان است؛ این یک حرف علمی است یا نه؟

خیر، علمی نیست. در تحقیقی که من و تعدادی از دوستان در این خصوص انجام دادیم باید بگویم که کشور ما بعد از کشورهای قاره آفریقا و کشورهای عربی که حدودا 50 کشور می‌شود قرار دارد و اینکه شایعه شده رتبه ما سوم است به نظر عجیب و غریب می‌آید. البته این را هم بگویم که ما به داده‌های جهانی دسترسی کامل نداریم و از روی چیزهایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم، حتی ممکن است کشور ما در رتبه‌های پایین‌تری هم قرار بگیرد.

بالاترین میزان تنبلی را کدام کشورها دارند؟

کشورهای عربی.

دلایل این تنبلی که از آن صحبت می‌کنید در کشور ما چیست؟

یکی از اصلی‌ترین آنها ورود تعطیلات فراوان به تقویم کشور است و دوم اینکه تعطیلات ما سامان ندارد. الان یک روز تعطیل است، مردم خودشان فردا را هم تعطیل می‌کند. این ماجرای بین‌التعطیلین هم که دیگر جای خودش را دارد. شبکه اجتماعی، ترافیک، ساختار فاسدی که در آن فساد جایزه می‌گیرد و... در این شرایط، تحرک اجتماعی رنگ می‌بازد. بارها مشاهده کرده‌ایم که فرد با هر سطح تحصیلاتی می‌تواند نویسنده کتاب شود، می‌تواند در دانشگاه درس بدهد. می‌تواند حتی وزیر شود. بارها در اخبار خوانده‌ایم که فلان مدیر رده چندم یک شرکت با روی کار آمدن دولت در جایگاه وزیر نشسته است. این ساختار اجازه نمی‌دهد که فرد بتواند پله‌پله بالا برود. به این شکل است که وجدان کاری پایین می‌آید و پایین بودن وجدان کاری باعث پایین آمدن وجدان فردی و مشکلات اجتماعی می‌شود. جوهر اصلی تنبلی از دست دادن زمان است. اگر زمان را از دست بدهیم، تنبلی اجتماعی پررنگ‌تر از قبل می‌شود. زمان از دست رفته حکم همان طلایی را دارد که همیشه از آن صحبت می‌کنیم و در قالب جمله «وقت طلاست» مدام تأکید می‌کنیم که وقت طلایی مان را از دست می‌دهیم. از دست دادن زمان باعث بی‌نظمی و بی‌برنامگی می‌شود. بی‌نظمی با خودش انبوهی از کارهای عقب افتاده را به همراه می‌آورد که خیلی از آنها دیگر قابل انجام دادن نیست.

تنبلی اجتماعی و تحقیق درباره آن از چه زمانی مطرح شد؟

حضرت امام خامنه‌ای از سال 74 مسئله انضباط اجتماعی را مطرح کردند و بعد از آن چند سخنرانی دیگر درخصوص مسائل مهم اجتماعی داشتند و بحث تنبلی را مطرح کردند. جامعه‌شناسان از همان موقع به مسئله تنبلی اجتماعی علاقه‌مند شدند. تا اینکه ایشان در سخنرانی‌شان در خراسان جنوبی در سال 91 بر «پایین بودن بهره‌وری نیروی کار و تمایل کم به کار کردن» دست گذاشتند. زمانی که عالی‌ترین مقام کشور به این مسائل اشاره می‌کند ما امیدوار می‌شویم که می‌توان با کمی تحقیق و پژوهش این مشکلات را از بین برد یا آنها را کمرنگ کرد.

چه مواردی روی تنبلی اجتماعی تأثیرگذار است؟

زمانی که کسب ثروت از راه نبوغ صورت نگیرد و رانت‌های سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی به‌وجود بیاید افراد به سمت تنبلی می‌روند یا بدتر اینکه میل به مهاجرت پیدا می‌کنند. من در بقیه گفت‌وگوهایی که انجام داده‌ام نیز این لیست را عنوان کرده‌ام که تقدیرگرایی، نوگرایی، توجه به آینده، تمایل به کارهای زود بازده و یک‌شبه، خودمداری، فردگرایی، فرار از مسئولیت به‌خاطر نفع فردی، بیگانگی شهروندان از حکومت، احساس بی‌قدرتی و بی‌هنجاری به‌شدت روی تنبلی اجتماعی مؤثر است. مورد بعدی میزان جدایی بین دولت و ملت است. اگر مردم آن‌طور که باید و شاید به دولت اعتماد نداشته باشند، همین عدم اعتماد باعث می‌شود که مردم از مسئولیت‌هایی که بر عهده آنها گذاشته شده است فرار کنند و از دولت جدا باشند. تقدیرگرایی هم یکی از چیزهایی است که در صورت تعریف اشتباه باعث تنبلی می‌شود. فرد فکر می‌کند هر چیزی که تقدیر رقم زده برایش اتفاق می‌افتد و نمی‌تواند آینده را کنترل کند، همین طرز فکر راه را برای تنبلی اجتماعی باز می‌کند. ریشه دیگر تنبلی اجتماعی این است که فرد احساس می‌کند نه قدرتی دارد و نه می‌تواند تأثیری روی جامعه بگذارد. فرد احساس می‌کند نمی‌تواند محیط اجتماعی خودش را تحت تأثیر قرار بدهد برای همین با خودش می‌گوید بهتر است هیچ قدمی در این زمینه برندارد. به لیستی که تا اینجا گفته‌ام بیگانگی اجتماعی و بی‌هنجاری را هم اضافه کنید. چرا که وقتی جامعه‌ای هنجار و آرمانی ندارد تابع قوانین خاصی نیست و افراد انگیزه‌ای برای رسیدن به هدف‌شان ندارند و همین سرمنشا تنبلی اجتماعی است.

در تحقیقاتی که انجام داده‌اید، موردی را به شکل خاص در نظر دارید که برایمان تعریف کنید؟

در یکی از پژوهش‌هایی که داشتیم روی 1328 نفر از شهروندان تهرانی آزمایشی را انجام دادیم. آزمایش نشان می‌داد که از این تعداد افراد حداقل 20 درصد تنبلی دارند که به‌نظر میزان زیادی می‌آید. جالب است که میزان تنبلی این 20 درصد بین زیاد و خیلی زیاد بود و هیچ‌کدام از تنبلی رتبه پایین بهره‌نمی‌بردند.

دلیل میل به مهاجرت همین تنبلی است؟

می‌تواند باشد اگر افراد حس می‌کنند در این کشور حرام می‌شوند و باید به جایی بروند که برایشان ارزش قائل هستند. بعضی از کسانی که دست به مهاجرت می‌زنند با خودشان فکر می‌کنند حالا که نمی‌توانم با زد و بند و پارتی به جایی برسم بهتر است از کشور بروم.

ریشه اصلی تنبلی اجتماعی در کشور ما به کجا برمی‌گردد؟

مهم‌ترین عامل، همان ساختار اجتماعی و سیاسی مشکل دار است. الان در نظام دولتی و حتی خصوصی کشور شاهد این

هستیم که مثلاً یک معاون پژوهشی به شکل کاملاً بی‌قاعده‌ای به مسند وزارت نشسته است، درست مثل عملکردی که ناصرالدین شاه داشت. او از پسرآشپز خوشش می‌آمد برای همین او را همه کاره خودش کرد. البته می‌خواهم کمی هم از خوبی‌هایی که در جامعه داریم صحبت کنم. ما در سیستم علمی، ساختار ارتقای پله به پله داریم، در جایگاه و مسائل دینی هم به همین شکل جلو می‌رویم، در پزشکی هم افرادی در سمت پزشک هستند که درس خوانده‌اند و دوره دیده‌اند اما در فضای ثروت و قدرت، طبقه‌بندی نداریم و همین مسئله مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

می‌توانیم امیدوار باشیم که تنبلی اجتماعی از بین برود؟

بله این مقوله از بین رفتنی است. اما به شرط و شروط خاص خودش.

چه شرطی؟

ما باید مشکل را پیدا کنیم و با حل کردن مشکل سعی کنیم که تنبلی را از بین ببریم. افراد باید براساس نبوغ یا تلاش در حوزه‌ای ارتقا پیدا کنند اگر این سیستم رانته شود باید بگویم که باعث تنبلی می‌شود.

جایگاه ایران به لحاظ تنبلی اجتماعی

باید ریشه‌ها را درست کرد
دکتر جواد یگانه این راه‌حل‌ها را پیشنهاد می‌دهد

کسی مثال زده بود و گفته بود مردم وقتی ماشین دولت دست‌شان است آنقدر این ماشین را می‌دوانند که پدر ماشین درمی‌آید ولی مواظب ماشین خودشان هستند. اگر ما خانه‌مان کثیف نیست ولی شهرمان کثیف است، به این معنا نیست که کثیف هستیم. آدم‌ها برای خودشان و آن وقت‌هایی که منافع‌شان اقتضا می‌کند خوب کار می‌کنند.

یکی از آدم‌هایی که از ایران در دوره ناصرالدین شاه بازدید کرده بوده پزشکی است به نام دکتر پولاک. 10 سال هم در ایران بوده. او می‌گوید ایرانی‌ها 2 تا دوره دارند؛ آسودگی و تلاش. یک دوره طولانی آسوده هستند و بعد در دوره‌ای اساسی شروع می‌کنند به کار کردن.

الان که هوا آلوده است و مدام تشویق می‌کنند که درخانه بمانید هیچ امکاناتی برای ورزش کردن وجود ندارد. ما اول باید مشکل اصلی را حل کنیم. مولوی تعبیری دارد که می‌گوید:

«گر نه موش دزد در انبان ماست، گندم انبار چهل ساله کجاست اول‌ای جان دفع شر موش کن، وانگهی در جمع گندم کوش کن»
ما مشکلات جدی‌تری داریم که تا آنها را حل نکنیم نمی‌توانیم تنبلی را حل کنیم.

طبق تحقیقات ما سالمندها، زن‌ها، متاهل‌ها، بی‌سوادها، بیکارها، روستایی‌ها و طبقات اجتماعی پایین و آنهایی که کمتر به آینده فکر می‌کنند تنبل‌تر هستند. بنابراین در نسل‌های جدید ما با کاهش گرایش به تنبلی روبه‌رو هستیم. البته این به معنای کاهش رفتار تنبلی نیست.

بعضی آمارها می‌گوید در سال‌های اخیر عدم اعتماد به آینده افزایش پیدا کرده. اگر این آمار درست باشد احتمالاً میزان تنبلی افزایش پیدا می‌کند. وقتی قدرت اقتصادی نداری، وقتی فقر چشم‌انداز پیش رویت است و خودت را با اتیوپی و اوگاندا مقایسه می‌کنی بعید است که بخواهی کار جدی را دنبال کنی.

ما یکی از بیشترین تغییرات قانون را در دنیا داریم. اگر سیستم را اصلاح و محیطی فراهم کنیم که بشود کار کرد، ایرانی‌ها کار می‌کنند. اینکه ایرانی‌ها می‌گویند وقتی به خارج می‌روند استثمار می‌شوند به خاطر این است که در آنجا آدم‌ها باید فقط کار کنند.

به‌خاطر همین ما که اندکی تمایل به تنبلی داریم در این سیستم به مشکل برمی‌خوریم. چون در آن سیستم اگر کار نکنی بیرون می‌کنند. ولی در جامعه ایران اگر کار هم نکنی کسی با تو کار ندارد. یعنی سیستمی که بین دوغ و دوشاب فرقی نمی‌گذارد، انگیزه را برای کار کردن از بین می‌برد. ما اول باید سیستم را اصلاح کنیم تا بعد بگوییم مشکل تنبلی از کجاست. سعدی قصه‌ای دارد که غلام سیاهی بچه‌ای را بغل کرده بود و آن بچه مدام گریه می‌کرد. یکی گفت این از تو می‌ترسد، بگذارش زمین آرام

می شود!